انقلاب و نسل‌ها

■ زهرا سلطانی

تغییـر و تحول نسـل‌ها، از مباحث مطرح در حوزه جامعه شناسی و آموزه‌های اسلامی است. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «لاتقسروا اولادکم علی اخلاقکم، فانهم مخلوقون لزمان غیرزمانکم « فرزندانتان را به اخلاق (آداب) و خوی‌های خودتان منحصر و مقید نسازید ؛ چون آنها برای زمانی جز زمان شما آفریده شده اند.»

انقـلاب اسـلامی، از ابتدای شـکل گیری تا کنون نسـل‌های متعددی – چهار نسل- را پشت سر گذاشته است. نسل‌هایی که هر یک، به گونه‌ای خاص با آن ارتبـاط برقرار کرده‌اند. به عنوان یک جوان نسـل چهارمی به جرأت می‌توانم بگویم که نسـل ما نسـبت به آرمان‌ها و ارزش‌ها به مراتب انقلابی تر، کوشـاتر و راسخ‌تر از گذشتگان است که در ادامه به دلایل آن می‌پردازم:

گروهی از سالخوردگان امروز همان انقلابیون پرجنب و جوش دیروز هستند. جوانانی که روزی سرشـان درد می‌کرد تا سخن ولی شان را با هزار ترفند و روش مخفیانه در حکومت نظامی‌های شبانه و بازرسـی‌های گاه و بی‌گاه به جویندگان حقیقت برسـانند. در تظاهرات و راهپیمایی‌ها با شـعار و مشـت‌های گره کرده شـان، بر دهان طاغوتیان و گنده گویان جهانی زدند. آن‌هایی که با خون شان ۱۷شـهریور ۱۳۵۷ را در تاریخ انقلاب ثبت کردند و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷شاه را از ایران رانده با همّت سایر توده‌های مردم، انقلاب را به پیروزی رساندند. دانشـجویانی که در ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸ با تکیه بر قدرت الهی لانه ی جاسوسی مزدوران آمریکایی را تسخیر کردندو ...

۱۹ ماه پس از پیروزی انقلاب با شروع جنگ ۸ ساله ایران و عراق، شاهد ورود نسل دوم انقلاب به این عرصه هستیم. همان‌هایی که امام رضوان الله علیه در قضیه فتح بستان آنان را فتح الفتوح انقلاب اسـلامی‌مان خواندند و فرمودند :« بزرگترین فتح جمهوری اسلامی این بود که توانست این جوانان را به این مرحله از عظمت و اعتلای روحی برساند که بتوانند احسـاس خودباوری کنند و بایستند و در مقابل تهاجم عظیم یکپارچه‌ی دنیا، از کشور و از موجودیتشان و از اسلام دفاع کنند.»

حالا تابسـتان ۱۳۶۷ اسـت و جنگ با تمام التهاباتش تمام شـده. در حالی که گروهی از این فتـح الفتوحات به فیض شـهادت نائـل آمدند و بخشی دیگر ...

امّا بخشی دیگر از همین غیور مردان انقلابی‌مان با خوابیدن تب و تاب روزهای هیجان زده انقلاب و رفع شدن تنش‌های دوران جنگ درگیر مشکلات زندگی رزمره شان شده ند. کشاکشی که آنها را در قالبی محافظه کارانه به دغدغه‌های سطحی زنجیر کرده است. بعضی‌ها نیز تا جایی پیش می‌روند که جوانـان انقلابی و آرمان خـواه امروز را «افراطی» می‌خوانند، گویی که هیچ وقت آرمان‌هایی بلند و روحیه‌ای مجاهدت طلبانه نداشته‌اند.

این دو نسـل اکنون والدین نسل سوم انقلاب هستند. جوانانی که در اتمسفر داغ روزهای ابتدایی انقلاب تنفس نکرده‌اند، نه پیام‌های امام راحل را در زمان حیات شان دریافت و نه روزهای تلخ و شیرین دفاع مقدس را لمس کرده اند؛ نسلی با ویژگی‌ها و خواسته‌های متفاوت از نسل‌های قبل.

جـوان امـروز در عصـر تکنولوژی،بمبـاران اطلاعاتـی، زندگی‌هـای مجـازی و نبردهای نرم سرسـختانه ی قدرتمندان جهانی چشم به جهان گشـوده اسـت. فضایی که او را هر چه بیشـتر به سـمت دین گریزی و بی‌قیـدی متمایل می‌کند. برای پیروزی در میدان نبرد امروز باید به معنویت و بصیرت ویژه‌ای مجهز باشـد تا بتواند با دشمنی که نمی‌بیند مبارزه کند.

بـه فرموده امام خامنـه‌ای مدظله العالی این جوان از جوان انقلابی اول انقلاب شأنش بالاتر است. چـرا؟ چون» آن‌روز اولاً آن انقلابِ با آن عظمت و شـکوه اتفاق افتاده بود؛ ثانیاً آن‌روز اینترنت نبود، ماهواره نبود، این همه تبلیغات گوناگون نبود، این جوان در معرض این همه آسیب نبود، جوان امروز در معرض این همه آسیبها است؛ اینترنت جلوی او است، این همه تلاش دارد می‌شود برای اینکه این جوان را منحرف کنند، [اما] این جوان متدین باقی می‌مانَد؛ نمازخوان است، به نماز اهمیت می‌دهد... در مراسم مهم دینی شرکت می‌کند، پای انقلاب می‌ایستد، شـعارهای از دل برآمده می‌دهد؛ اینها چیزهای مهمی اسـت. نسل امروزِ انقلاب، به نظر ما یکی از افتخارات بزرگ است. این یک واقعیتی اسـت، باید این را دید.» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۲/۱۲/۱۵)

بهترین منبع برای یافتن شاخص‌های یک فرد انقلابی در این دهه، بیانات رهبر انقلاب است. ایشان در دو دهه بعد از جنگ مطالباتی داشته‌اند که اگر فردی عامل به آنها باشد می‌توان او را انقلابی نامید.

۱)جهاد فکری،فرهنگی،سازندگی

«جهاد امروز مقابله با جنگ نرمی اسـت که دیروز دشـمن با شـبیخون فرهنگـی و امروز به صورت ناتو آن را دنبال می‌کند. یک شـرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یک وقت در میدان جنگِ مسلّحانه است که جهاد رزمی نام دارد؛ یک وقت در میدان سیاسـت است که جهاد سیاسی نامیده می‌شود؛ یک وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به جهاد فرهنگی تعبیر می‌شـود و یک وقت در میدان سـازندگی است که به آن جهاد سـازندگی اطلاق می‌گردد. البتـه جهاد، بـا عنوان‌های دیگـر و در میدانهای دیگر هم هست. پس، شـرط اوّلِ جهاد این است که در آن، تلاش و کوشـش باشد و شرط دومش این‌که، در مقابل دشمن صورت گیرد البته یکی از جهادها هم جهاد فکری است. چون دشمن ممکن اسـت ما را غافل کند، فکر ما را منحرف سـازد و دچـار خطا و اشـتباهمان گرداند؛ هر کس که در راه روشـنگری فکر مردم، تلاشی بکند، از انحرافی جلوگیری نماید و مانع سـوءفهمی شود، از آن‌جا که در مقابله با دشمن است، تلاشش جهاد نامیده می‌شـود. « (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان - ۱۳۷۲/۰۲/۱۵)

امروز شاهد حرکت‌های خودجوش فرهنگی از سوی جوانان در سراسر کشور هستیم. حرکت‌هایی که شاید در ابتدای امر کوچک باشند امّا مهم همّت به ایجاد تغییر و تحول اسـت. در سـال‌های اخیر می‌بینیم که عرصه اردوهـای جهادی - به عنوان فعالیت‌های بخش سـازندگی و فرهنگی – توسط جوانان بسیار قوت یافته است.

از دیگر افتخارات امروز ما وجود شهدای نجبه علمی در تاریخ پس از انقلاب اسلامی است. جوانانی کـه پـای در عرصه جهاد علمی نهـاده و همزمان تهذیب را در کنار تحصیل سـرلوحه خویش قرار دادند.

۲) آرمـان خواهـی، عدالـت طلبـی، مطالبه گری

در بیان عبرت‌های عاشورا رهبر معظم انقلاب از بین رفتن و ضعیف شدن آن حالت آرمان خواهی در جامعه اسلامی را، از عوامل زمینه ساز گمراهی بر می‌شمرند و می‌گویند: «هر کس به فکر این باشد که کلاهش را از معرکه در ببرد و از دیگران در دنیا عقب نیفتد؛ این‌که «دیگری جمع کرده است، ما هم برویم جمع کنیم و خلاصه خود و مصالح خود را بر مصالح جامعه ترجیح دهیم»، معلوم است که به این درد دچار خواهیم شد.»(بیانات در تاریخ۱۳۷۱/۰۴/۲۲)

۳. امربه معروف و نهی از منکر

آنچـه که جامعه‌ی ما را فاسـد می‌کند، غرق شـدن در شهوات است؛ از دست دادن روح تقوا و فداکاری است.

"دشمن از راه اشاعه‌ی فرهنگ غلط - فرهنگ فسـاد و فحشا - سـعی می‌کند جوانهای ما را از ما بگیـرد. کاری که دشـمن از لحـاظ فرهنگی می‌کند، یک "تهاجم فرهنگی" بلکه باید گفت یک «شبیخون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» اسـت. امروز دشمن این کار را با ما می‌کند. چه کسی می‌تواند از این فضیلتها دفاع کند؟ آن جوان مؤمنی که دل به دنیا نبسته، دل به منافع شـخصی نبسته و می‌تواند بایستد و از فضیلتهـا دفاع کند. کسـی که خودش آلوده و گرفتار اسـت که نمی‌تواند از فضیلتها دفاع کند! این جوان بااخلاص می‌تواند دفاع کند. این جوان، از انقلاب، از اسـلام، از فضایل و ارزشهای اسلامی می‌تواند دفاع کند."

از سـال ۶۹ تا کنون در حوزه امر به معروف و نهی از منکر شـاهد شـهادت ۱۵ جوان مومن انقلابی بوده ایم. امثال شـهید علی خلیلی‌ها که می‌گویـد برای به دسـت آوردن یک لبخند آقا پای ارزش‌ها ایستاده است. این‌ها همان جوانان نسـل سومی هستند، که امروز گروهی تلاش بر این دارند آنها را دچارشدگان به شکاف و انقلاب نسلی بخوانند.

۴. تبیین حقیقت و بصیرت داشتن

بعد از فتنه سال ۸۸ در ۹ دی ۱۳۸۹ شاهد وقوع حماسـه‌ای ماندگار در تاریخ ایران اسلامی بودیم.حماسه‌ای که رهبر معظم انقلاب آن را کار خدا می‌نامند و تاکید می‌کنند که دسـت قدرت الهی پشت این پیروزی، همراه ملّت بوده است. ۹ دی روز درخشـش جوانان و نوجوانانی بود که با بصیرت و آگاهی شان به نمایندگی از نسل سوم انقلاب در میادیـن و خیابان‌ها حضور یافتند، تا تکلیف صیانت از انقلاب را از نسـل پیش تحویل بگیرند.

در پاسخ به وقوع انقلاب نسلی و جدا افتادگی نسل سوم انقلاب از آرمان‌های بلند دینی و معنوی آیت‌الله خامنه‌ای این طور سخن می‌گویند: «یکی از حرف‌هایی که امروز، محور جنگ روانی دشمن است این است که می‌گویند نسل سوم انقلاب، از ایده‌های انقلاب جدا شـده است! بعد به دنبالش یک فلسـفه هم می‌گذارند؛ آن فلسفه چیست؟ آن فلسفه این است که همواره در همه انقلاب‌ها، نسـل سـوم از آن انقلاب رو برگردانده اند!حرف دروغ، حرف غلط ... کدام انقلاب‌ها را می‌گویید؟ در سال ۱۷۸۹ در فرانسه انقلاب شده؛ اما نه نسل سوم، نه نسل دوم، بلکه همان نسل اول از انقلاب برگشتند! بعد از چهار، پنج سال، یک حرکت علیه انقلابیون اول به وجود آوردند و سـه، چهار سال قدرت را قبضه کردند؛ باز بعد از چهار، پنج سال علیه آنها فعالیت شـد. به سال ۱۸۰۲ که رسید، آن چنان ماهیت این انقلاب دگرگون شده بود که کسی مثل ناپلئون، توانست بیاید و تاج پادشاهی را روی سـرش بگذارد!... آن انقلاب به نسل سوم که هیچ، به نسـل دوم هم نرسید؛ چون پایه‌های انقلاب پایه‌های سستی بود...انقلاب اکتبر شوروی هم به نسـل سوم نرسید؛ هنوز شش ،هفت سال از پیروزی انقلاب نگذشـته بود که استالینیسـم سر کار آمد؛...

این کدام فلسفه است، با کدام انقلاب تطبیق شـده و در کجا تجربه شـده که نسل‌های سوم انقلاب، از انقلاب بر می‌گردند؟ نخیر، این بسته به این است که ایده آن انقلاب چه باشد. اگر ایده‌های یک انقلاب بتواند، نسـل دوم و سوم و دهم را به خاطـر اصالت و صحت خود قانع کند، آن انقلاب عمر ابدی خواهد داشت. ایده‌های انقلاب اسلامی، ایده‌هایی هستند که عمر ابد دارند. عدالتخواهی، هیچ وقت کهنه نمی‌شود؛ آزادی خواهی و استقلال خواهی، هیچوقت کهنه نمی‌شود؛ مبارزه با دخالت بیگانگان، هیچ وقت کهنه نمی‌شود؛ اینها چیزهایی است که همیشه برای نسل‌ها جاذبه دارد... مطمئن باشند، همان شور و هیجان و ایمان و عواطفی که در نسل جوان آن روز وجود داشت و توانست آن کار را بکند، در این نسل جوان هم موجود است»

در بـاب انقلابی ماندن و پای گذاشـتن در عرصه دغدغه‌های دینی، حسینی ماندن و شهید گونه زیستن سید شهیدان اهل قلم سخنان ناب و نغزی را برایمان به یادگار گذاشته‌اند. به تبعیت از ایشان می‌نویسم: « ما همان هاییم که مانده ایم و زمان ما را با خود نبرده اسـت .. ما ثمره نسلی هستیم که ماندند و با سَرِ بلند در بلای زمانشان آزموده شدند.

حـال که صحرای بلا به وسـعت همه تاریخ است، ما سربازان حسین (علیه السلام) در زمانه خویشـم، در این کشـاکش بلا دینـدار ماندن و انقلابی ماندن و زینب گونه زیسـتن هنر ماست. در میدان شدائد برای ماندن در زمره عاشوراییان امـام ع ش ق باید به یقین رفتار کرد و بر هرچه ترس و تردید و تعلق غلبه کرد و حسـینی شد؛ این است غایت خلقت جهان.

*** یکی از حرف‌هایی که امروز، محور جنگ روانی دشمن است این است که می‌گویند نسل سوم انقلاب، از ایده‌های انقلاب جدا شده است! بعد به دنبالش یک فلسفه هم می‌گذارند؛ آن فلسفه چیست؟ آن فلسفه این است که همواره در همه انقلاب‌ها، نسل سوم از آن انقلاب رو برگردانده اند!حرف دروغ، حرف غلط ... کدام انقلاب‌ها را می‌گویید؟**

***

ما می‌خواهیم کاخ سفید را به حسینیه تبدیل کنیم

۱) موقع تحویل سال که می‌شود، حال و هوایـش با تمام فضاهـای دیگری که در طول سال لمس کرده ایم متفاوت می‌شود. تنها صدایی که به گوش می‌رسد، تیک تاک ساعت است که از نزدیک شدن لحظهٔ تحویل سال خبر می‌دهد.

شـاید در عالم واقع، اتفاق خاصی هم نیفتد و اصلا خود زمین هم نفهمد که یک دور مدار خورشید را طی کرده است. شاید تخـم مرغی که در بچگـی به ما می‌گفتند موقع تحویل سال می‌چرخد، هرگز نچرخد. شاید ننه سـرمایی که با داسـتان هایش، زمستان‌هایمان را به بهار می‌رساندیم، کوله بارش را نبسـته باشد و شاید میرزا نوروز و حاجی فیروزی هم دست افشان نیامده باشند اما مهیایش می‌شویم، خانه تکانی می‌کنیم، سبزه می اندازیم، لباس نو می‌پوشیم، عیدی می‌دهیم، شیشه پنجره را برق می‌اندازیم تا آمدنش را خوب به تماشا بنشینیم...

اما به راسـتی چه رمزی در این أحسن الحال نهفته است که در تحویل سال آن را به وضوح حس می‌کنیـم؟ آن لحظه، گویا دل تمام مردم سرزمین مادری مان، همدل و هماهنگ می‌شود و قلب‌ها دست به دست هم می‌دهند تا تحولی شگفت در ما رخ دهد.

*** پای میز مذاکره نمی‌توان آرمان شهید کوروش باباپور را محقق کرد که گفت» ما نمی‌خواهیم فقط کربلا و قدس را آزاد کنیم، بلکه هدف ما این است که کاخ سفید را به حسینیه تبدیل کنیم.»**

آن لحظـه، همـه باور داریم کـه باید برای أحسن الحال شدن دست به دعا برداریم...

بهار یعنی همین حوّل حالنا. بهار احسن الحال فصل هاست...

۲) وقتی که قلب‌ها متوجه خداوند باشد و همه با هم یکدل شـوند، نوری از قلب‌ها سـاطع می‌شـود که پژواک گونه در جهان می‌پیچد. مردم کشـور ما با این احسـاس، بیگانه نیسـتند. سـی و شـش سال پیش درست در زمانی که تا لحظه تحویل سال نو، هنوز ۳۸ روز باقی مانده بود و کشور فضای بهمن مـاه را تجربه می‌کرد، یکباره در این سرزمین بهار شد، بهاری که دلها یمان را به هم صدایی سر سبز کرد و دست هایمان را به یک دلی گره زد و حالمان را أحسن نمود.

تاریخمـان از زمـان نهضـت تنباکو و مشروطه چشم انتظار این بهار بود. پای این چشم انتظاری بهترین‌ها را قربانی کردیم و چه سـخت است الفت دل‌ها و جان‌ها ...که خداونـد در کتابش بـه پیامبررحمت(ص) فرمـود: "اگـر همهٔ آن چـه در روی زمین اسـت، خرج می‌کردی نمی‌توانستی میان دل هایشان الفت برقرار کنی، ولی خدا بود کـه میان آنها الفت برقرار کرد." آنجایی که وصل قلبها صورت بگیرد به یقین، نور خداوند حاکم اسـت. بی‌دلیل نیست که انقلابمان انفجار نور بود...

خداوند همراه ملتی اسـت که خودش بخواهد ارادهٔ کشـورش را به دست بگیرد و میز تحقیر، هزاران عهدنامه و کاپیتولاسیون وتوافقنامـه را بر هم بزند و بخواهد به جای مذاکره با دشـمن و کنار آمـدن با کدخدا بر خـدای عالمیان توکل کند و کمر همت راست نماید تا گنجینه‌های کشورش و ذخایر عظیـم اش را خـود مدیریت کند. به مردم کشـورش دل ببندد و ایـن انرژی عظیم را بی‌مقدار نپندارد.

ملتی که به ریگ‌های بیابانش بیشتر از ریگان‌هـا اعتماد کند و بداند که اگر به خدا توکل نماید، همین ریگ‌های بی‌مقدار طوفان طبسی می‌شـوند و به کارترها، کارت قرمز می‌دهند، در زمستان هم بهار خواهد داشت...

بهار یعنی همین حوّل حالنا. بهار أحسن الحال دل هاست...

۳) تحلیل گـران می‌گویند برای وقوع یک انقلاب، به سـه اصل نیاز اسـت: ظلم بیرونی،اراده درونی مردم و رهبری.

آن پیر سـفر کرده از کاپیتولاسیون و مصونیت سگهای آمریکایی در خیابان‌های ما گفت و مثال زد که اگر همین سگ‌های آمریکایی متعرض مجتهد کشـور شـوند، مصونیت دارند.

روح خدا به جای آنکه به رساله توضیح المسائلش بیندیشد و امور مریدانش را رتق و فتق نمایـد، با نوه هایش بازی کند یا در باغچـه اش گل بکارد تن به تبعید می‌دهد، مصطفایش را قربانی می‌کند و در سن هفتاد و چهار سالگی توی دهن دولتی می‌زند که استقلالمان را به تاراج ببرد و دولتی "به نام خـدا و برای خدا» تعیین می‌کند که حتی خرمشهرش را خدا آزاد کرد...

انقلاب با بیداری جان‌های ملت و غریو یکصدای الله اکبر ادامه دارد.

آن شـاه مفلـوک گریختـه بـه مصر، مومیایـی عبرتی اسـت برای کسـانی که محاکمهٔ نامبارک‌ها را می‌بینند و در کمال ناباوری، تبرئه شدنش را مشاهده می‌کنند، بی‌تکیه گاهی جز این است؟!

بخت یارمان بوده که تکیه گاهی چون روح الله خمینی داشته ایم، تا شاهمان از آن همه جنایت و فریب تبرئه نشود و انقلابمان واژگـون. و البته که رمـز موفقیت امام(ره) اتصالشان به منبع لایتناهی و «عظم الخالق فی أعینهم و صغر ما دونه فی أعینهم» است.

بصیـرت، مقاومت و بیعت با ولی سـه ضلع همراهـی مردم‌اند و خدمت صادقانه، پایبندی به آرمان‌ها، داشتن روحیه انقلابی و دوری از تجمل گرایی، دنیازدگی و سیاست زدگی وظیفه مسئولان و کارگزاران حکومت اسلامی.

آرمان‌های ما بزرگ‌تر از آنی اسـت که در سایهٔ هوس‌های سیاسی و تجمل گرایی و تنبلی مسئولانمان ذبح شود، هزینه تحقق این آرمان‌ها و روشن نگه داشتن این چراغ را مصطفاهای احمدی روشـن و فهمیده‌ها حسین وار پرداخته‌اند و ما زینب گونه اجازه نمی‌دهیـم، غیرت دینی و عـزت ملی‌مان حراج لبخندها و قـدم زنی‌های بزدلانه در خیابان‌های غفلت و روزمرگی شود.

می گویند درعلم فیزیک، قانون پایستگی انرژی وجود دارد، هر انرژی که به وجود بیاید هرگز از بین نمـی‌رود. همچنین نظریه اثر پروانه‌ای می‌گویـد، بال زدن یک پروانه در یک طرف جهان، طوفانی در سوی دیگر آن ایجاد می‌کند، با این وجود چگونه همدلی و پایبندی ما بر باورهای ایمانی و انقلابی‌مان طوفانی در کاخ‌های استکباری ظالمان ایجاد نکند؟ هر چقدر انرژی ما پای میزهای مذاکره هدر رود به همان میزان، تکانه‌های کاخ‌های استکبار و استعمار کاهش می‌یابد.

پای میز مذاکره نمی‌توان آرمان شهید کـوروش باباپور را محقق کرد که گفت» ما نمی‌خواهیم فقط کربلا و قدس را آزاد کنیم، بلکه هدف ما این است که کاخ سفید را به حسینیه تبدیل کنیم.»

به رهبری روح خدا قلوبمان را از هر چه غیرخدا پاک نمودیم و حوّل حالنا را محقق و ظلم را سرنگون کردیم، «برای نصرت الهی حکومتـی دینی بنا نهادیـم و خدا یاریمان کرد.» انقلاب اما تمام نشـده. اکنون فصل انقلابی ماندن است...

بی دلیل نیسـت که رهبر و مقتدایمان پس از گذشت سی و پنج سال از میان همه القاب و اوصاف «انقلابی» هسـتند، انقلابی ماندن یعنی همیشـه بهاری ماندن، شکوفا ماندن و سرسبز و سربلند ماندن...

بهار یعنی همین حوّل حالنا، بهاراحسن الحال ماندن است...

*** نظریه اثر پروانه‌ای می‌گوید، بال زدن یک پروانه در یک طرف جهان، طوفانی در سوی دیگر آن ایجاد می‌کند، با این وجود چگونه همدلی و پایبندی ما بر باورهای ایمانی و انقلابی‌مان طوفانی در کاخ‌های استکباری ظالمان ایجاد نکند؟**

کتابخانه انقلاب

درباره انقلاب اسـلامی تا کنون صدها کتاب منتشر شده است. آنچه پیـش روی شماسـت، ۲۴ عنوان از کتابهـای داخلی و خارجـی در این زمینه اسـت که خوانـدن آنها برای درک بهتر و عمیق انقلاب اسـلامی، ریشـه‌ها و نتایج آن می‌تواند مفید باشد.

***امیرعباس هویدا به روایت اسناد ساواک**

امیرعباس هویدا، یکی از معدود نخست‌وزیرانی بود که در طول حکومت رژیم شاهنشاهی ایران، به مدت یکصد و پنجاه ماه شمسی، بر صندلی صدارت تکیه زد و علی رغم آن که دولت او، از سوی بسیاری از محافل و رجال سیاسـی، کابینه‌ی محلل نامیده می‌شد، مورد حمایت بی‌چون و چرای بیگانگان قرار داشت. هویدا، فرزند کسی بود که از متنفذین فرقه‌ی بهائیت به شمار می‌رفت و با اردشیر جی، ارتباطی تنگاتنگ داشـت و در به قدرت رساندن رضاخان، در مشورت با جامعه‌ی بهائیان، نقشی تعیین‌کننده ایفا کرده بود. شاید همین مسئله بود که محمدرضا

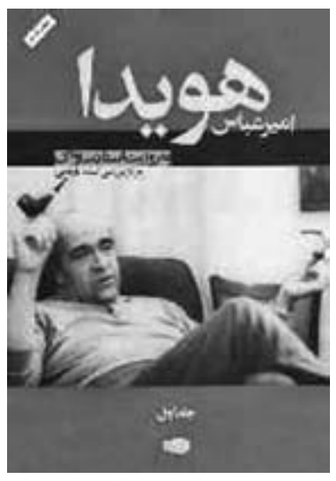

پهلـوی را وامدار خاندان هویدا کرده و همواره او را مورد پشـتیبانی همه‌جانبه‌ی خویش قرار می‌داد. کتاب «امیرعباس هویدا به روایت اسـناد ساواک» در دو جلد توسط انتشارات کیهان منتشر شده است.

*** بازرگان مردی که از نو باید شناخت**

نهمین جلد مجموعه ‹نیمه پنهان ‹سـیمای کارگزاران فرهنگ و سیاست ‹در سه جلد (انتشارات کیهان) حاوی نقد و تحلیل فعالیت‌های سیاسی و اقدامات مهندس مهدی بازرگان است .کتاب حاضر جلد نخست این مجموعه است که به مطالعه حیات سیاسی بازرگان در آستانه انقلاب اسلامی تا زمان تشکیل دولت موقت اختصاص دارد و ضمن آن به تناسب و بطور پراکنده مواضع و عملکرد ایشان طی سال‌های قبل از آن (۱۳۳۲تا ۱۳۵۷) مرور می‌شود. گفتنی است در صفحات پایانی عکس‌هایی از مهندس بـازرگان در زمان‌ها و موقعیت‌های مختلف به چاپ رسیده است.

***انقلاب و روشنفکران**

«سیمای کارگزاران فرهنگ و سیاست» بر آن اسـت تا نقش و عملکرد روشـنفکران را در جریان انقلاب و حوادث پس از آن، از سال ۱۳۵۶تا ۱۳۷۶، نقـد و ارزیابـی کند .این مجموعـه در واقع برآمده از مجموعه سـخنرانی‌های نویسنده طی سال‌های ۱۳۷۰تا ۱۳۷۹اسـت .مباحث کتاب در چهار فصل بـا این موضوعات شـکل گرفته اسـت»: مرتجع و محافظه‌کار در برابر انقلاب»، «گذر از محافظه‌کاری به رادیکالیسم ریاکارگ، «بن بست و انزوای رادیکالیسم وابسـته «و «راهبردهـای ائتلاف برای شـبیخون فرهنگـی .»در پایان کتاب فهرسـت اعلام و تصویر تعدادی از اسناد و بریده جراید به چاپ رسیده است. این کتاب در انتشارات کیهان منتشر شده است.

***تاریخ معاصر ایران از دیدگاه امام خمینی (ره)**

کتـاب «تاریخ معاصر ایـران از دیـدگاه امام خمینی(ره)» دفتر بیستم از آثار موضوعی تبیان‌ها اسـت که توسط مؤسسـه تنظیم و نشـر آثار امام خمینـی(ره) اسـتخراج و تنظیم شـده و توسـط مؤسسه نشر عروج به چاپ رسیده است.در این اثر، دیدگاه‌های امام خمینی در مورد رویدادهای تاریخ معاصر ایران از قاجار تا انقلاب اسلامی در چهار بخش و چندین فصل بدین شرح گردآوری شده است:بخش یکم: قاجاریه تا انقلاب شـامل؛ اسـتعمار در ایران، ماهیت حکومت قاجار، قیام علیه استعمار و استبداد و نهضت مشروطیت. بخش دوم: دوره رضاخان شامل؛ رویکار آمدن رضاخان، ویژگی‌های حکومت رضاخان، سیاست مذهبی رضاخان، سیاست فرهنگی رضاخان و.... بخش سوم:شـامل؛ حوادث مهم و جنبه‌هایی از دوران حکومـت محمدرضا شـاه.در تنظیم قطعات منتخب هر یک از فصول و عنوان‌های فرعی، ترتیب و توالی تاریخی صدور آنها از طرف امام ملاک عمل بوده است نه توالی منطقی مطالب و مشخصات کامل مآخذ براسـاس شماره مسلسل مندرج در پایان هر فیش در انتهای کتاب آورده شده است.

***خاطـرات عـزت شـاهی / محسـن کاظمی**

خاطرات مسـتند عزت شـاهی از مبارزان دوران انقـلاب اسـلامی و روایـت او از زندان اوین و شـکنجه‌های ساواک و مجاهدین خلق و مبارزات ایدوئولوژیک و ... به ضمیمه اسناد و عکس‌های مفصل کتابی است که حسابی ذهن آدم را درگیر می‌کند.

*** سقوط شاه / فریدون هویدا**

فریدون هویدا برادر امیرعباس هویدا نخست وزیر معلوم‌الحال رژیم پهلوی است که به لطف صدارت برادر در سال‌های پایانی حکومت طاغوت نماینده ایران در سازمان ملل بوده است. فریدون هویدا در این کتاب که درسال ۵۸ نوشته‌شده از تحلیل‌ها و خاطراتش در مورد حوادث منجر به فروپاشی رژیم شاهنشاهی می‌گوید.

*** ظهور و سـقوط سـلطنت پهلوی / ارتشبد حسین فردوست**

ایـن کتاب اولیـن بار در دهه فجر سـال ۱۳۶۹ از روی دست‌نوشته‌های ارتشبد حسین فردوست، رئیس دفتر ویژه اطلاعات محمد رضا شاه تهیه و تنظیم شده است.

در ایـن کتاب دو جلـدی که یکی از اولن کارهـای تحقیقاتی منسـجم در زمینه تاریخ انقلاب پس از پیروز انقلاب اسلامی بود بسیاری از مسائل مربوط به تاریخ نظام شاهنشاهی مثل دخالت‌های اردشیر و شـاپور ریپورتر از طرف دولت انگلستان در مسـائل داخلی ایران برای اولین بار به صورت مستند ارائه شد.

*** کتـاب شناسـی انقلاب اسـلامی / انتشارات سوره مهر**

این کتاب مشـتمل بر فهرسـت توصیفی و فهرسـت‌مندرجات کتابهـای منتشـره طی سـال‌های ۱۳۵۰ تـا ۱۳۷۲ درموضوع انقلاب اسـلامی اسـت، که روش تنظیم کتابها در آن بر اسـاس‌عنوان می‌باشـد. فهرسـت توصیفی کتب شامل: عنوان، نویسنده،مترجم، ویراستار، محل نشـر، ناشر، مشـخصات فیزیکی (قطع، شـماره‌صفحه، تعداد جلد)، شماره رده‌بندی و کد محل نگهداری درکتابخانه مربوطه اسـت. اطلاعات کتابهای این مجموعه از ۲۴کتابخانه سراسـر ایران جمع‌آوری شـده و فهرست این کتابخانه‌ها درابتدای کتاب آمده است.

*** انقلاب اسـلامی و ریشـه‌های آن / عباسعلی عمید زنجانی**

انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن دانشجویان را به یاد درسـی با همین نام در لیست دروس مرکز معارف دانشـگاه‌ها می‌اندازد. بعید نیست که نـام این درس از کتاب مفصل مرحوم آیت الله عمید زنجانی رئیس اسبق‌دانشـگاه تهران گرفته شـده باشد.این کتاب ششصد صفحه‌ای با بحث‌های مفصل فرهنگی، حقوقی سیاسی و تاریخی تلاشی برای تبیین انقلاب اسلامی است.

*** ولایت فقیه / امام خمینی**

کتاب ولایت فقیه امام حاصل سیزده جلسه از درس ایشان در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی در هنگام اقامت در نجف اسـت.این کتاب که نخستین‌بار از سوی یاران امام در بیروت منتشر شد در سـال ۱۳۵۶ در ایران برای اولین بار با عنوان نامه‌ای از امام موسـوی کاشف‌الغطاء به ضمیمه بحث جهاد اکبر ایشان چاپ شد.

دانسـتن این‌که در اندیشه فقهی سیاسی امام سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی چه می‌گذشت کمک زیادی به فهم موضع‌گیری‌های بعدی امام می‌کند.

*** آغازی بر یک پایان / سید مرتضی آوینی**

« انقلاب اسلامی رستاخیز تاریخی انسان اسـت بعد از قرن‌ها هبوط. انقلاب اسلامی یک توبه تاریخی اسـت وبنابرایـن غایات آن هرگز اقتصادی، اجتماعی و سیاسـی نیست.»آغازی بر یـک پایان یکـی از مقاله‌هـای زیبای این کتاب ۱۵۰ صفحه‌ای اسـت. شـهید آوینی در گفتارهای دیگر کتاب به مباحثی همچون دهه شـصت و امام خمینی،اسلامیت یا جمهوریت، پروستریکای اسلامی وجود ندارد، ایمان منجی جهان فرداسـت و.... از آسـیب‌های گریبانگیر طرفداران انقلاب می‌گوید.

***انقلاب اسلامی و وضع کنونی عالم / رضا داوری اردکانی**

البته اگر بدلیل چاپ قدیمی این کتاب آن را پیدا نکردید سراغ بقیه کتاب‌های دکتر داوری هم که بروید خوراک فکری مناسبی برای تأمل در نسـبت ما و دنیای مدرن در اختیارتان قرار می‌گیرد هر چند کتاب‌های ایشان معمولا ثقیل و دیر فهم است.